

# نسبت مکتب اسلام با فلسفه هنر و زیبایی و آثار هنری<sup>1</sup>

(موضوع شناسی، اصول راهبردی، روش های کاربردی، ارزیابی آثار)

علی (ع) صورت پذیرفته است. نکته اساسی دیگر، بحث پیرامون سبکها و روشهای خلق آثار هنری است و پاسخ به این سؤال، که آیا می توان با داشتن ایده های مشترک، از سبکهای متنوع برای خلق آثار هنری بهره برداری نمود. در مراحل بعد ضمن نقد و ارزیابی مکاتب زیبایی شناسی مختلف از منظر زیبایی شناسی اسلامی، روشهای تحقیق کمی و سکولاریستی نیز از منظر فرهنگ اسلامی مورد نقد و ارزیابی قرار می گیرد و در نهایت مطالب جمع بندی می شود. واژه های کلیدی: اسلام، مکاتب فکری و اعتقادی، زیبایی، هنر، آثار هنری، اصول راهبردی (نظری)، روش های کاربردی (عملی)، انسان، معبود، سکولاریسم

## 1. مقدمه

طرح رابطه مکاتب فکری و اعتقادی با مباحث هنر و زیبایی و آثار هنری در زمان معاصر از چند بعد حائز اهمیت و اولویت می باشد.

الف) اوج گیری شکاکیت در معرفت شناسی و نسبی گرایی در مباحث نظری در فرهنگ معاصر غربی و تأثیر خودآگاه یا ناخودآگاه آن در ایجاد سبکها و آثار هنری، عملاً حوزه حسن شناسی و زیبایی را دچار بی معیاری و بی مبنایی نموده و باعث ایجاد آثاری، نامطلوب، نامناسب و بحران آفرین، شده است.

ب) خط مشی سکولاریستی در حوزه مباحث نظری و فلسفه

حسن شناسی و زیبایی و جلوگیری و به تعطیلی کشاندن بحث های مقایسه ای و نقدهای منطقی در این حوزه، بخصوص در فضاهای آموزشی و دانشگاه های جهان، عملاً باعث خودبنیادی و خودبینی هنرمندان و تسلط هواهای نفسانی آنها در خلق آثار و جلوگیری از تعامل مثبت با مخاطبین و نقدهای سازنده و تکامل بخش هنرمندان و آثار آنها شده است، بخصوص در برخی از کشورهای جهان سومی و روشنفکران غرب زده آنها که بطور مضاعف دچار خودفراموشی و از خود بیگانگی شده و اصولاً جز تقلید و تبلیغ آثار غربی رسالتی را برای خود متصور نیستند.

پ) طرح دیدگاه اسلامی نیز توسط محققین در مباحث فوق، اغلب بصورت پراکنده و غیر منسجم، ارائه شده و عدم هماهنگی لازم در مطالب آنها ملاحظه میشود، اجتهادهای غیر تخصصی در حوزه های مختلف، نظری، عملی (سبکها) و ارزیابی آثار دوران اسلامی و جدید، بهره برداری از آنها را در مجموع دشوار نموده است.

ج) گنجینه لایتنهای مکتب اسلام در کلیه مباحث موردنیاز مورد بی توجهی و غفلت بوده و عدم بهره برداری مطلوب و مناسب از این اقیانوس رحمت و هدایت الهی، ما را از طرح جامع

## عبدالحمید نقره کار

### چکیده:

در این مقاله مطالبی در تبیین، رابطه فرهنگ اسلامی (کلیه مکاتب فکری و اعتقادی) با فلسفه هنر و زیبایی و زیبایی آثار هنری، ارائه شده است. سپس به موضوع شناسی مطالب و تبیین رابطه طولی آنها از کلی ترین مباحث نظری تا ارزیابی آثار هنری پرداخته شده است، در مرحله بعد تفکیک گزاره های نظری و عملی و آثار هنری و اصول هر کدام مورد بحث قرار گرفته است. نکته اساسی در این مقاله تبیین سرچشمه ایده ها و ایده آلهای هنرمندان است، که منشاء هنرهای مذموم یا خنثی و یا ممدوح می باشند، مقوله فوق با توجه به حدیثی از حضرت

<sup>1</sup> - از آرشیو مرکز تحقیقات دانشگاه علم و صنعت ایران  
چکیده انگلیسی:

The relation between Islam and the theory of space in architectural design

Regarding the existing crisis of art and architecture from both theoretical and practical aspects, which are influenced by the dubitative and relativism viewpoints of western culture in new era, could be solved by the school of Islam from all its sides of theory, practice and historical background.

To prove the above idea, firstly, the architecture would be introduced as a part of human science due to its relation with art, and then research methods in this science would be considered as a basis, while attending to all its conflicts based on belief and the selection of thoughts. In the next stage, the architectural subjects are discussed from both longitudinal and latitudinal dimensions based on leading principles on each subject. Then the inclusiveness of anthropology, aesthetics and the philosophy of Islamic art is explained based on a comparative evaluation with rival schools of thoughts. Subsequently after giving a perfect definition of architecture, space-geometry ideas is considered as the roots of architectural products, but as considers authenticity for architectural products in relation to human and his needs, establishes appropriate space-geometry ideas for each tools and methods of human perceptions.

Finally for proving the proposed ideas, samples of impeccant architecture, the conversion of fire-temples to mosques and the architecture and urbanism of Islamic period have been introduced

Keywords: Islam, theory, aesthetic, the philosophy of art, space ideas, architectural design

انسجام منطقی و بدون بهره‌برداری از یک مکتب جامع و مانع به بحث می‌پردازند و مطالبشان یا ناقص و یا پر از اضداد است. و در بعد عملی نیز، اصل نوآوری را مطلق نموده و مستقل از سایر صفات حسن نظیر مفید بودن، مناسب بودن، حکیمانه بودن و ...<sup>2</sup> به خلق آثار هنری می‌پردازند. و متأسفانه غرب باوران و مترجمین افکار آنها، مقلدانه از آنها پیروی می‌نمایند.

در حالیکه از منظر اسلامی حقیقت هستی و انسان و گرایشات زیبایی شناسی انسانها، یگانه است و جنبه فطری، وجودی و ذاتی دارد و با استناد به مجموع منابع قابل استناد اسلامی یعنی کلام الهی و کلام معصومین (س) و در ذیل آنها، اجماع خبرگان و عقل<sup>3</sup> فردی می‌توان به دریافت های مشابه و یا حداقل دریافتهایی در طول یکدیگر رسید، به نحوی که در مجموع جامع و مانع باشد و یک مکتب مشخص و منسجم حسن شناسی و زیبایی شناسی را شامل شود. وظیفه هنرمند رسیدن به این وحدت در حوزه زیبایی شناسی است، که مقام انسان کامل و مقام جامع صفات حسن الهی است و مقام خلیفه الهی انسان و در حوزه عملی و خلق آثار هنری نیز اصل نوآوری (بدیع بودن) در ذیل اصل بجا و متناسب بودن (اصل عدالت)<sup>[1]</sup> و در کنار سایر صفات حسن قابل ارزشیابی و معیار سنجی می‌تواند باشد. با توجه به مجموع مطالب فوق در این مقاله سعی می‌شود مبتنی بر بدیهیات فرهنگ اسلامی به چند سؤال اساسی در مورد نسبت این مکتب با مباحث فلسفه هنر و زیبایی و نقد و ارزیابی آثار هنری، پاسخ‌هایی منطقی و روشن ارائه شود.

و مانع مطالب، پاسخ به سئوالات و ابهامات موجود، نقد، تحلیل و درمان بحران‌ها و انحرافات هنری دوران معاصر از طریق تدوین منسجم مطالب، با زبان و ادبیات روز و در سطوح مختلف آموزشی، پژوهشی، برنامه‌ریزی و اجرائی محروم نموده است. گنجینه معارف اسلامی نه تنها شامل کلام قرآن و احادیث معصومین (س) می‌باشد، بلکه وسعت نامحدودی از آثار ارزنده و عمیق، فیلسوفان، حکما، عرفا، مفسرین، محققین، هنرمندان و هنرپژوهان قدیم، جدید و خارجی و داخلی را شامل میشود. که بر مبنای فرهنگ اسلامی مباحث مربوطه را مستقیم یا غیر مستقیم مطرح نموده‌اند و متأسفانه در غربت بی‌توجهی ما و یا تعصب و خود بزرگ بینی محققین غربی در سایه غفلت قرار گرفته است.

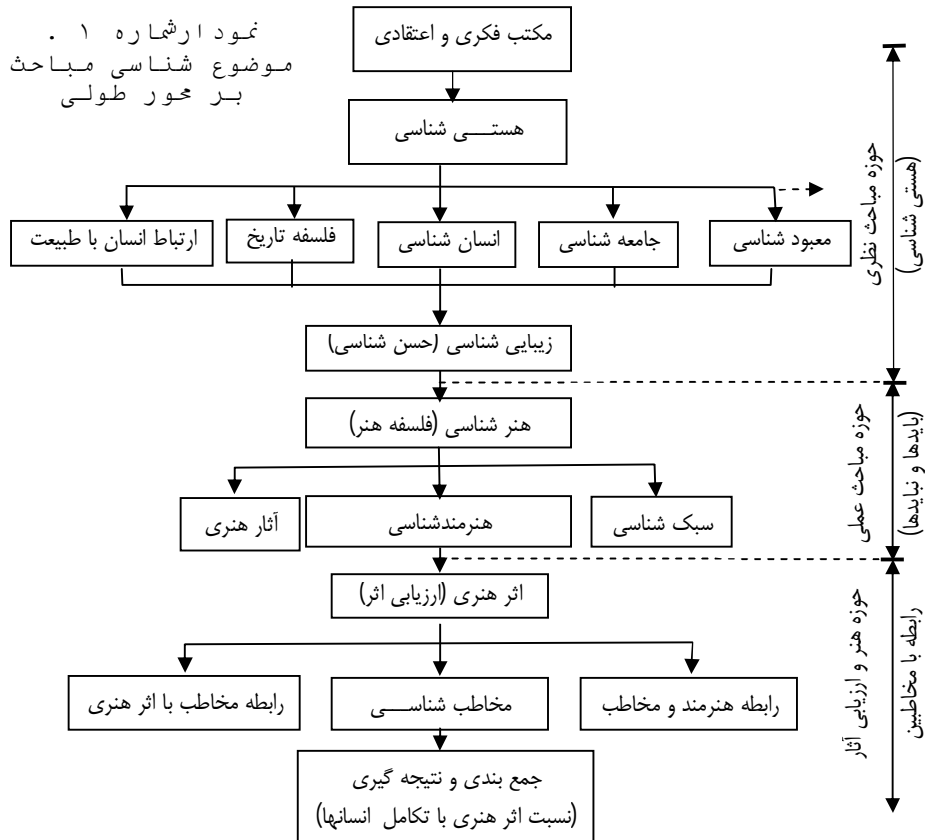
چ) غرب زدگی عملی، سطحی و کمی‌نگری مسئولین اجرائی و

کارشناسان مربوطه در مراکز برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، و عدم آشنایی آنها با فرهنگ و هنر دوران اسلامی و بی‌توجهی یا بی‌اعتقادی آنها به ارتباط سامانمند و ساختاری با مراکز آموزشی و پژوهشی برای درک و تفاهم متقابل و تعاملی برنامه‌ریزی شده، سازنده و با اهداف کمی و کیفی مشخص، موجب دوری و فاصله این دو رکن تحقیقی و اجرایی شده است.

ح) عدم خودباوری لایق و شایسته در برخی از اعضاء، مراکز آموزشی و پژوهشی، عدم آشنایی عمیق آنها با مباحث اسلامی در حوزه‌های مربوطه، برداشتهای سطحی و اجتهادهای نادرست، انحصار طلبی فردی و گروهی، عدم تعامل و تفاهم مثبت و سازنده بین اساتید دروس نظری با یکدیگر و متقابلاً با اساتید دروس عملی و طراحی‌ها، عملاً باعث سردرگمی دانشجویان در مباحث نظری و انحراف در روش‌های طراحی و خلق آثار شده است.

خ) مسائل فوق در مجموع باعث پیچیدگی‌ها و مشکلاتی شده است که گره‌گشایی از آن مستلزم فراست و آشنایی عمیق با فرهنگ اسلامی و اصول مبتنی بر آن می‌باشد. در رویکرد معاصر غرب به مقوله هنر و زیبایی (مدرنیته و پست مدرنیته)، آنچه معیار نهایی در ارزیابی و داوری آثار هنری قرار گرفته، اصل نوآوری (مدرنیسم) در هر دو حوزه مباحث نظری و عملی است یعنی در مباحث نظری و زیبایی شناسی بدون

<sup>2</sup> - مجموع صفات حسن (اسماء الحسنی) که در قرآن مجید در یکصد صفت بیان شده است. چهار منبع قابل استناد در فرهنگ اسلامی.<sup>3</sup>



2. تبیین رابطه طولی مکاتب فکری و اعتقادی در زمینه فلسفه

هنر و زیبایی

آنچنان که در نمودار شماره 1 ملاحظه می‌فرمایید کلیه مکاتب فکری و اعتقادی جامع باید بتوانند در کلیه حوزه‌های سه‌گانه (نظری، عملی و ارزیابی آثار) مبانی متقن و جامع و مانعی را ارائه نمایند. ارتباط منسجم و علت و معلولی مباحث فوق به گونه‌ای است که فقدان ارائه بحث پیرامون یک موضوع انسجام و ارتباط منطقی و هماهنگ مباحث را از بین می‌برد و جامعیت مکتب مزبور را نقض می‌نماید.

مطروحه برقرار می‌باشد، یعنی بدون هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، طرح باید و نبایدهایی برای پرورش انسان و استعدادهای هنری او غیر منطقی و بی‌پایه است، همچنانکه بدون تبیین یک مکتب حَسَن‌شناسی و ارائه معیارهای زیبایی‌شناسی از منظر انسانها بحث پیرامون فلسفه هنر و سنجش آثار هنری و نقد و ارزیابی آنها، غیر ممکن خواهد بود.

با توجه به تفکیک سه حوزه متفاوت از گزاره‌های نظری و عملی و مصادیق آثار هنری لازم است اصول هر یک از حوزه

3. تبیین رابطه موضوعی و عرضی

(تفکیک مباحث نظری و عملی) در مکاتب فکری و اعتقادی با مباحث هنر و زیبایی

مباحث نظری مستقل از اراده انسان محقق می‌شود و مباحث عملی با اراده و عمل انسان محقق می‌شود و مبانی و اصول دو حوزه فوق کاملاً متفاوت بوده و باید از هم تفکیک شود. لذا همچنانکه در نمودار (شماره 2) ملاحظه می‌فرمایید، این دو حوزه از هم تفکیک شده و رابطه‌ای عرضی بین موضوعات

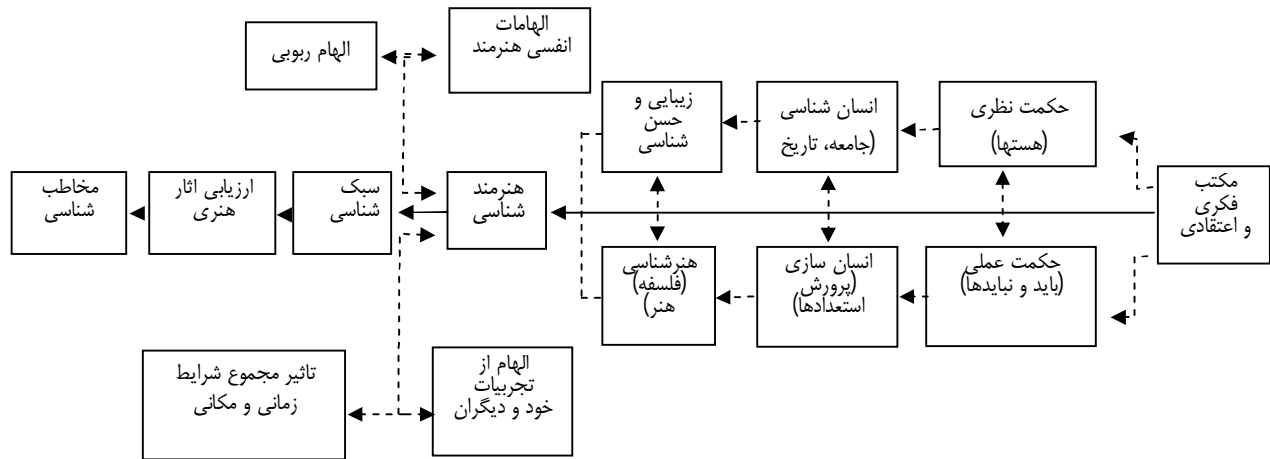
4. اصول متفاوت در گزاره‌های نظری، عملی و آثار هنری

گزاره ها ذهنی و مفهومی هستند و مرزی بین بودن یا نبودن دارند، بنابراین کلی و قطعی، تلقی می شوند و در عین حال غیر وابسته به شرایط زمانی و مکانی بوده و بدون اراده انسان محقق می باشند.

های فوق را، در مقایسه با یکدیگر مطرح نمائیم. آنگونه که در نمودار شماره 3 ملاحظه می شود، گزاره های نظری یا هست ها ، باید مبتنی بر واقعیت و حقیقت باشند، در غیر اینصورت کاذب و غیر واقعی و باطل خواهند بود، بنابراین اصل بنیادین گزاره های نظری، (حقیقت مداری) است. از آنجا که این

نمودار شماره 2، موضوع شناسی مباحث هنر و زیبایی

بر مبنای نظری و عملی

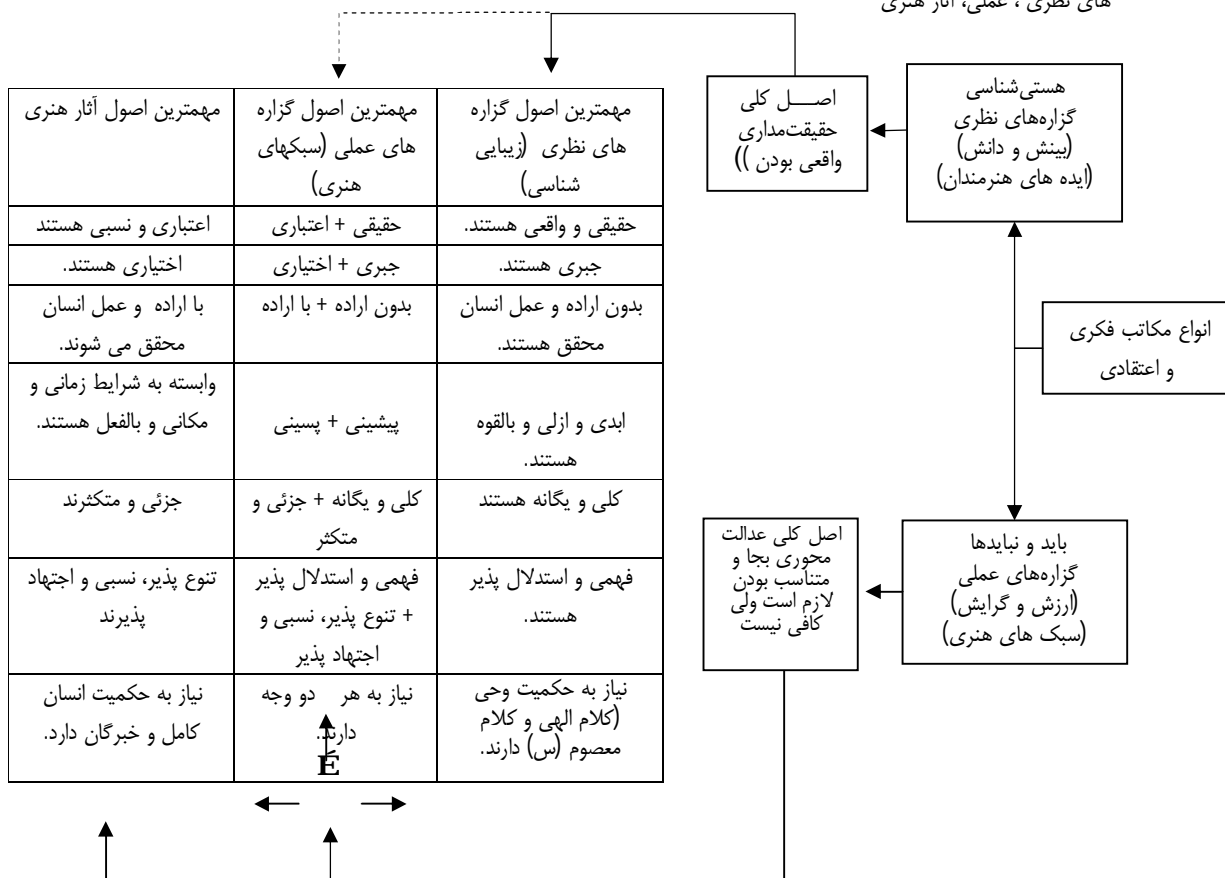


برزخی این گزاره ها و نگاه محققین محترم از دو سوی متفاوت به این گزاره ها است، یعنی باید و نباید های عملی تا در ذهن هنرمند تصور می شود و به ایده های فطری او متصل است، یگانه بوده و گزاره های حقیقی تلقی می شود. سپس از آنجا که هنرمند با توجه به عالم خارج الهی و هماهنگ با اراده ربوبی است، بنابراین حقیقی و یگانه است، اما در صورتیکه ایده ها و گرایشات ذهنی هنرمند، ناشی از انگیزه ها و الهامات نفس بهیمی و شیطانی باشد، مطلوبی ماهیتی، نسبی و متکثر داشته و در راستای الهامات نفس اماره و جنود شیطانی بوده و هر لحظه رنگ می بازد و چهره عوض میکند، بنابراین از ابتدا در ذهن و ایده هنرمند متکثر و اعتباری و متغیر و چندگانه تلقی می شود.

5. سرچشمه ایده ها و ایده آلهای هنرمندان و فرایند آنها (منشأ هنرهای ممدوح و مذموم)

مهمترین و اصلی ترین مبانی ارزیابی و تحلیل آثار هنری، خواستگاه و سرچشمه ایده ها و گرایشات ذهنی هنرمندان می باشد، از آنجا که انسان شناسی در مکاتب مختلف فکری و اعتقادی بسیار متفاوت و اغلب متضاد و متکثر است، بنابراین

در نقطه مقابل گزاره های نظری، مصادیق آثار هنری هستند، که گزاره های اعتباری بوده با اراده انسان محقق می شوند و از آنجا که در ظرف زمان و مکان حادث می شوند، وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی (موضوع و مخاطب اثر هنری و ...) و از جمله محکوم به مادی بودن و جزئی و متکثر بودن و نسبی بودن می باشند و آنچنانکه قبلاً اشاره شد اصل پایه و بنیادین آنها (عدالت مداری) یعنی بجاو متناسب بودن اثر هنری و اجزاء و عناصر آن است. در مورد گزاره های عملی، یعنی سبکها و شیوه های خلق آثار هنری و روشهای طراحی، که، پلی بین ایده های هنرمندان و آثار آنها محسوب می شوند، نکته ظریف و قابل تأملی بشرح ذیل مطرح می باشد. در قرآن مجید راه تکامل و صبرورث انسان را هم با کلمه (الصراط المستقیم) یگانه و مستقیم دانسته و هم با استفاده از کلمه (سُبُل) راه های بسوی حق را متکثر و بیش از یکی معرفی می نماید. از طرفی برخی از محققین و مفسرین برجسته اسلامی این گزاره ها را حقیقی و گروه دیگری این گزاره ها را اعتباری میدانند. به نظر نگارنده نظریات فوق متناقض نیست، بلکه به دلیل هویت



نامیده می شود». با توجه به مطلب فوق، ملاحظه می شود، سرچشمه ایده های هنرمندان یگانه نیست، اگر هنرمند ایده های هنری خود را از نفس بهیمی و جنود شیطانی الهام گیرد، از این سرچشمه دوزخی، الهامات کثیری که شامل گرایشات و انگیزه های غریزی همه حیوانات میتواند باشد، می جوشد و روح هنرمند را تسخیر می کند و او را بسوی لذت های غریزی - حیوانی، برمی انگیزاند و در نتیجه هنرهای مذموم خلق میشود. در نقطه مقابل اگر هنرمند ایده ها و ایده آلهای خود را از نفس عقلانی و روحانی والهامات ربوبی اتخاذ نماید، حاصل این نفوس حکمت و نزاهت است و رضایت و کرامت،

موضوع سر منشاء ایده های هنرمندان را از منظر فرهنگ اسلامی و مبتنی بر حدیثی از حضرت علی (ع) مطرح می نمایم. حضرت علی (ع) در پاسخ جناب کمیل که در خواست مینماید، نفس او را تشریح فرمایند، پاسخ می دهند، تو (انسانها) چهار نفس داری، (نفس گیاهی، نفس حیوانی، نفس تدبیرگرقدسی، نفس ملکه روحانی) و برای هر کدام پنج قوا و دو خاصیت مشخص و متمایز را معرفی می نمایند. که در نمودار (شماره 4) اجمالاً ارائه شده است. شهید مرتضی مطهری (ره) در توضیح نوع مرکب بودن وجود انسان، در مقایسه با موجودات مرکب مادی می فرمایند: « انسان در عین اینکه یک مرکب حقیقی است و یک واحد حقیقی است برخلاف مرکبات طبیعی و نباتی که

در حال ترکیب اجزاء و عناصر ترکیب کننده هویت و استقلال خود را از دست می دهند و تضاد و تزاحم آنها یکسره تبدیل می شود به ملایمت و هماهنگی - عناصر متضادی که در خلقت او به کار رفته، هویت خود را بکلی از دست نمی دهند و همواره یک کشمکش درونی، او را از این سو به آن سو می کشاند. این تضاد درونی همان است که در زبان دینی، تضاد عقل و جهل یا عقل و نفس یا روح و بدن

مراتب نفوس انسان	قوای پنج گانه نفس					خواص دوگانه نفس
رشد کننده گیاهی	جذب کننده	هضم کننده	دفع کننده	پرورش دهنده	نگهدارنده و کنترل کننده	کم و زیاد شدن، رشد (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی) (انسان منفعل)
حس کننده حیوانی	شنیدن	دیدن	بویدن	چشیدن	لمس کردن	خشنودی و ناراحتی، نفس (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی) (انسان منفعل)
تدبیرگر قدسی	فکر (تدبیر)	ذکر (یادآوری)	علم (دانایی)	حلم (بردباری)	تنبه (بیداری) و پند (پذیری)	حکمت و نزاهت، درک و داوری (حق و باطل، خیر و شر، زیبایی و زشتی) و گرایش به حق و خیر و زیبایی (انسان فعال)
ملکه الهی	بقا در فنا	تسنع در سختی	عزت در ذلت	غنا در فقر	صبر در بلاء	رضایت و کرامت (رضایت متقابل انسان و خدا) و فیضان کریمانه خیر و نیکی انسان (انسان فعال)

یعنی هنرمند می‌تواند حق و باطل، خیر و شر و زیبا و زشت را بشناسد و داوری کند و از باطل و شر و زشتی به سوی حق و خیر و زیبایی، پاکی جوید و خود را تزهیب نماید و از این رهگذر به رضایت وجودی از خود و خالق خود نائل گردد و وجودش و فعلش فیاض و باکرامت گردد، همچون خالقش که فیاض و کریم است، در این ساحت است که ایده و ایده آلهای هنرمند روحانی و الهی میشود و هنرمند در مقام خلیفه الهی تنفس می‌کند و به مجموع صفات حسن الهی، تخلق می‌جوید حامل اسماء الحسنی الهی می‌شود و خالق هنرهای ممدوح می‌گردد. نمودار شماره 5

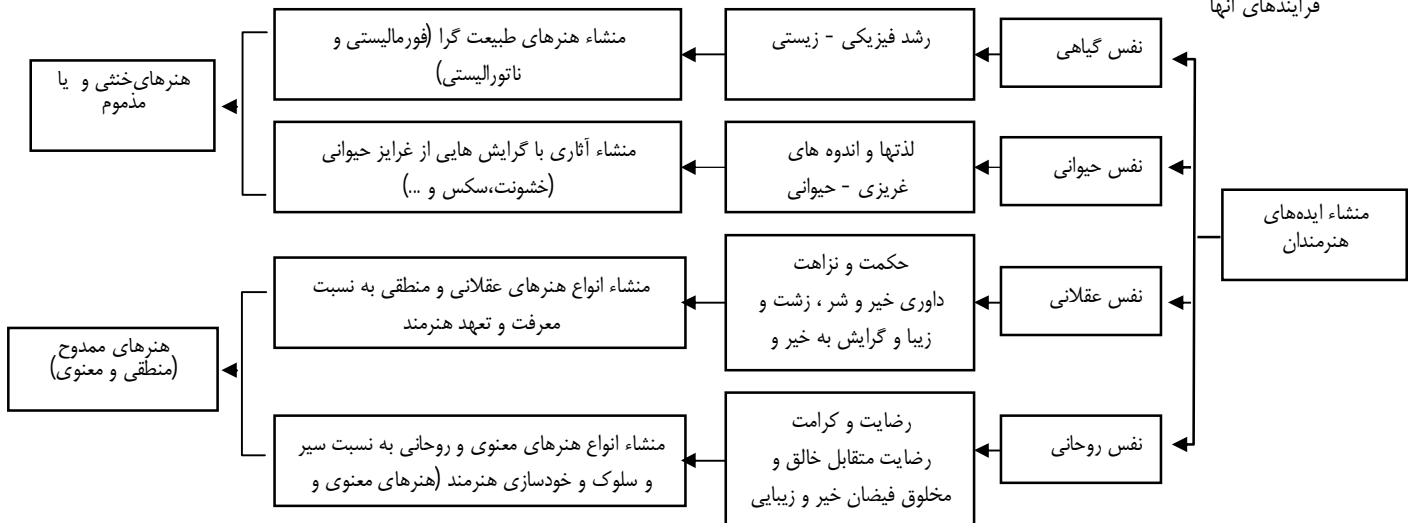
6. کثرت گرایی توحیدی و غیر توحیدی در اتخاذ

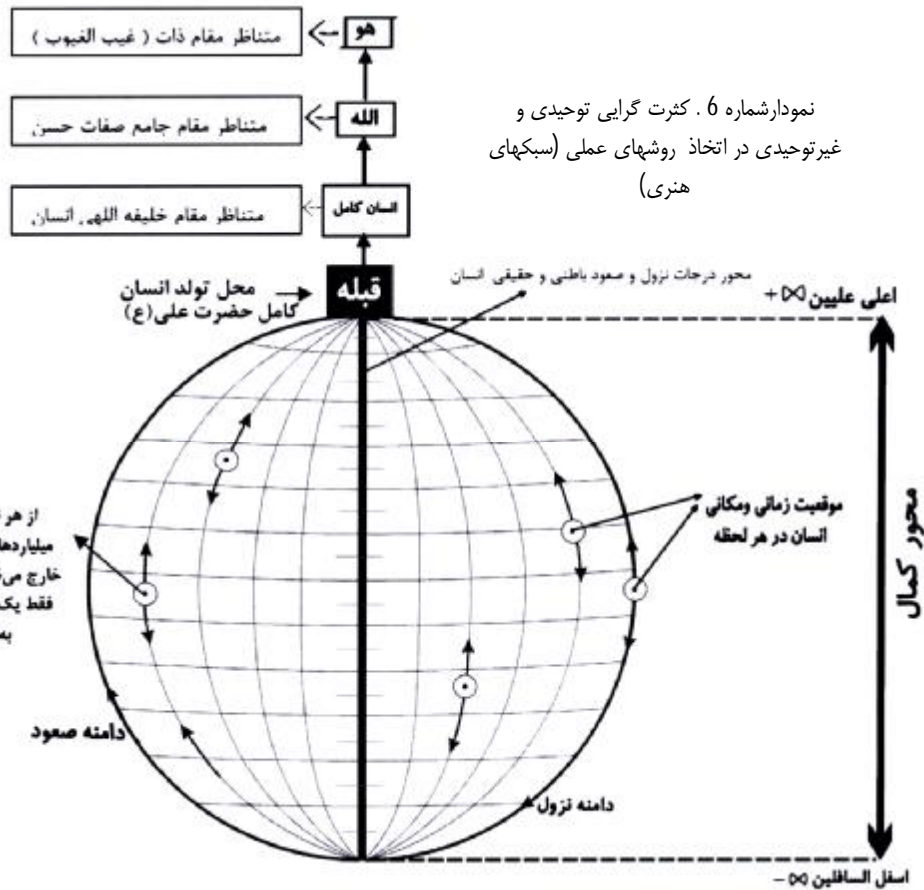
روشهای عملی (سبکهای هنری)

مسیر تکامل و ضرورت وجودی انسان در حقیقت یک مسیر بیشتر نیست و طی مراتب وجود است از نازلترین مرحله تا عالی-ترین مرحله آنها، که مقام انسان کامل و خلیفه الهی، انسان است. این سیر ناشی از تحقق استعدادی فطری و الهی است که خداوند با نفخه روحی خود، در کلیه انسانها به صورت بالقوه، به

نمودار شماره 5. منشا ایده های ممدوح و مضموم هنرمندان و

فرآیندهای آنها





نمودار شماره 6. کثرت گرایی توحیدی و غیرتوحیدی در اتخاذ روشهای عملی (سبکهای هنری)

بیشتری می‌یابد. برای درک بهتر موضوع می‌توان به نمودار شماره 6 توجه نمود. همانطور که در نمودار فوق ملاحظه می‌شود، اگر ما محور کره زمین را که از قبله‌مکرمه (خانه کعبه) می‌گذرد، محور باطنی هستی و مراتب وجود فرض نماییم، که در اوج آن عالیترین مرتبه وجود یعنی مقام قبله، و محل تولد انسان کامل (حضرت علی (ع)) قرار دارد، و در نقطه مقابل نازل‌ترین مرتبه وجود یعنی مقام دنیا و عالم ماده، بنابراین این محور می‌تواند مبین کل عالم خلقت و امکان‌صیورت باطنی انسان از خاک تا مقام جامع صفات الهی تلقی شود. آنگاه موقعیت هر یک از انسانها را برحسب درجه بالفعل و ماهیتی آنها، می‌توان در یک نقطه از سطح کره زمین تصور نمود، که با سایر افراد از نظر مکانی متفاوت است. چنانکه میدانیم از یک نقطه بر روی کره زمین، می‌توان میلیاردها خط عبور کند، اما از میان آنها فقط یک خط یعنی نصف‌النهاری که از نقطه مزبور می‌گذرد و به سمت قبله جهت‌گیری دارد به خانه کعبه می‌رسد و سایر خطوط در فضا رها می‌شوند. بنابراین از هر فرد با موقعیت مشخص فقط یک راه به سوی تکامل حقیقی وجود دارد، که در جهت انسان کامل است، در عین حال از موقعیت فرد دیگری بر روی کره زمین، نصف‌النهار دیگری، که آن هم جهت نهایی اش قبله می‌-

امانت و دیعه گذاشته است، تا با اراده و اختیار و عمل آنها، از قوه به فعل درآید و انسان محقق شود. اما از آنجا که ما انسانها در عالم دنیا و بصورت بالفعل، هر یک در موقعیتی متفاوت، فردی و متغیر، بر حسب معرفت

و نیت و عمل خود قرار عمل خود داریم<sup>4</sup> بنابراین، موقعیت هر یک از ما متفاوت و متکثر است.

یعنی هر یک از ما، در مقام صفات حضرت حق، واجد نسبی بعضی از صفات حسن و فاقد برخی دیگر هستیم. لذا برای تقرب به مقام انسان کامل (مقام قبله و مقام جامع صفات حسن یعنی کلمه طیبه الله) هر یک راهی را برای تکمیل صفات حسن در خود، طی می‌نماییم، یعنی فردی که دارای صفت (علم) است ولی فاقد صفت (کرم)، با نیت و عمل کریمانه اش این صفت را نیز در خود محقق می‌سازد و تقرب بیشتری می‌یابد و فردی که بر عکس دارای صفت (کرم) ولی در صفت (علم) ضعیف است با برخورداری عمیقتر از معرفتهای عالمانه، تکامل و تقرب

5- « لکل درجات بما عملوا » برای هر کس درجه ای است به نسبت آنچه عمل می

باشد تنها راه آن فرد، برای تکامل اوست. ملاحظه می‌شود تنوع راه‌ها و سبک‌ها (سبل) به دلیل موقعیت فردی و ماهیتی و اعتباری و متمایز افراد است، اما در عین حال این راه‌ها و سبک‌های متمایز باید هم‌جهت بوده و به سمت قبله واحد، یعنی مقام انسان کامل و جامع صفات حسن سیر نمایند. بنابراین نقطه شروع متکثر است ولی جهت و هدف مسیرها

مشترک و واحد است. و مفهوم سیر از کثرت به وحدت و از خلق به حق یا کثرت‌گرایی توحیدی در روش‌های عملی و سبک‌های هنری در این مطلب تشریح می‌شود. با این مبنا می‌توان در دل سبک‌ها و روش‌های متنوع و متفاوت عملی و طراحی، در تجلی محتواها و مفاهیم حسن و زیبایی هم‌جهت بود و به ایده‌ها و ایده‌آلهای مشترکی

در آثار هنری خود که همان توحید حسن‌هاست، به صورت نسبی تقرب جست. در عین حال هر سبکی نمی‌تواند، هنرمند را به مقصد برساند، مگر آنکه به سمت مجموع صفات حسن جهت‌گیری کرده باشد.

7. ارزیابی و نقد مکاتب زیبایی‌شناسی از منظر اسلام  
گرایش‌های شک‌گرا و نسبی‌گرا در حوزه مباحث نظری، عملاً سکولاریسم را در روش‌های تحقیقی این حوزه حاکم نموده‌اند و باعث رکود و تعطیلی نقد و ارزیابی نظریه‌ها و بررسی‌های تطبیقی در این موارد شده‌اند، جریان‌های فوق بزرگترین ضربه را به تعامل معرفتی انسانها و تبادل افکار و آراء انسانها زده و بزرگترین سد را در برابر تکامل فکری و معنوی انسانها، در طول تاریخ ایجاد نموده‌اند، اما در نقطه مقابل معارف اسلامی، مبتنی بر کلام الهی و کلام معصومین (س) دارای هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی روشن و عمیق بوده و ضمن دعوت به یقین و ممکن دانستن معرفت‌های یقینی، مدعای جامع و مانع بودن این معارف را در مکتب اسلام دارند. هم‌انسان را دعوت به شناخت خود و هستی می‌نمایند و هم او را واجد ابزار و شیوه‌های معرفتی لازم میدانند، در قرآن کریم با مخالفین فکری و نظری خود با دلایل حسی - تجربی و استدلال‌های عقلی - منطقی و مباحث روحی - عرفانی به مناظره و مجادله احسن می‌پردازند، نظرات آنها را نقد و ارزیابی نموده و افکار باطل آنها را محکوم و نظرات برحق خود را اثبات می‌نمایند. بنابراین از منظر اسلامی که باجمله « همه از اویم و به سوی او باز می‌گردیم»<sup>5</sup> هستی را یگانه و توحیدی معرفی می‌نماید و انسانها را

را دارای فطرتی الهی و غیرقابل تبدیل و تحویل می‌داند<sup>6</sup> و گرایشات زیبایی‌خواهی آنها را ذاتاً یگانه می‌شناسد و سایر مکاتب فکری و نظری را یا باطل و یا ناقص، بنابراین طبیعتاً این حق را به خود می‌دهد که سایر مکاتب را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و در یک بررسی تطبیقی نظرات خود را با تمام ابزار و شیوه‌های شناخت مثبت و متعارف به اثبات رساند. . مطلب فوق را به اختصار در نمودار شماره 8 مطرح نموده ایم.

#### 8. تشریح نمودار شماره 8 و تحلیل آن

در محور عمودی انواع مکاتب مطرح جهان مبتنی بر مباحث شناخت‌شناسی در کلی‌ترین طبقه‌بندی خود از شکاکان قدیم و جدید تا دیدگاه اسلامی که همه را به یقینی روشن و عمیق دعوت مینماید قرار گرفته است و در محور عرضی ابزار و شیوه‌های شناخت و حاصل معرفتی و زیباشناختی آن و مکاتب فلسفی وابسته و فیلسوفان شاخص آن مکتب‌ها و نهایتاً سبک‌های هنری که نسبتاً در آن حوزه زیبایی‌شناسی به خلق آثار هنری می‌پردازند، مطرح شده‌اند. با توجه به جدول فوق به نقد و ارزیابی مکاتب فوق از منظر حکمای اسلامی می‌پردازیم.

#### 1. پاسخ به شک‌گرایان

الف) حواس پنج‌گانه انسان جهت ارتباط با مرتبه مادی هستی، همیشه و در طول تاریخ ابزار مفید و مؤثری بوده است که در تبیین این ساحت وجودی اکثراً صادق و موارد خطا پذیری آن نیز این حقیقت مهم را روشن می‌سازد که غیر از ذات احدیت (واجب الوجود) سایر مراتب وجودی، اصالت و واقعیتی اعتباری و آیه ای (ممکن الوجودی) دارند. ب) واقعیت‌های حسی را از طریق احساس گرسنگی، تشنگی، درد و سایر نیازها و برخورداری‌های حسی و در شرایط طبیعی همواره لمس می‌نماییم، نظیر فرو رفتن سوزن در دست.  
ج) شکاک وقتی می‌گوید سراب را آب می‌پنداریم، باید گفت، اگر شما آب را نمی‌شناسید پس از کجا تشخیص می‌دهید سراب، آب نیست، بنابراین شما شکاک نیستید و به آب معرفت دارید.  
چ) غیر از حواس از طریق بدیهیات اولیه عقلی و فلسفی، می‌توان به معرفت‌های عمیق تر و کلی تر دست یافت، نظیر (علت داشتن هر معلول، بزرگتر بودن کل از جزء و باطل بودن دور تسلسل و ...).

<sup>6</sup> فطره الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله سورة روم آیه 30 -

انالله و انا اليه راجعون سورة بقره آیه 156 -<sup>5</sup>



ح) علاوه بر معرفت های بالا انسان به حالت های درونی و روحی خود معرفت بی واسطه حضوری دارد، نظیر (احساس غم، شادی، حیات، عظمت، قدرت، دانایی و ...).

2. پاسخ به نسبی گرایان

الف) هویت فردی و شخصی انسانها که ناشی از وراثت، تربیت، شرایط تاریخی و طبقات اجتماعی و نژادی و غیره ... می باشد، ناشی از مجموع شرایط وابسته به زمان و مکان بوده و هویت کسی و اعتباری و ثانوی و بالفعل و درعین حال قابل تغییر و تحول انسان است.

ب) انسان غیر از هویت بالفعل کسی دارای یک ذات و فطرت نوعی بالقوه و غیر قابل تبدیل و تحویل انسانی نیز می باشد. همین ذات مشترک، ضامن تفاهم و درک متقابل و ارتباط عمیق وجودی و هنری بین همه انسانها در طول تاریخ بوده و می تواند باشد. (تفاوت عمیق رابطه انسانها با یکدیگر و متقابلاً با سایر موجودات از این بُعد است).

پ) از آنجا که انسان موجود مرکبی است شامل (نفس گیاهی، حیوانی، عقلانی و روحانی) که عناصر ترکیب شونده خواص خود را حفظ می نمایند و درعین حال انسان موجودی است آزاد و خود می تواند هویت بالفعل خویش را برگزیند، لذا در بُعد حیوانی، انسان در جبر غرایز خود، هویتی منفعل، از خود بیگانه و وابسته به مجموع عوامل خارجی می یابد، اما اگر در بُعد اراده و گزینش عقلانی و خودآگاهی روحی باشد، فطرت انسانی و نوعی خود را بالفعل نموده است. این هویت موجودیت حقیقی، اصیل، پایدار و متمایز از سایر موجودات انسان است و مقام فطری و خلیفه الهی اوست.

3. پاسخ به حس گرایان (بیرونی)

الف) برای نتیجه گیری علمی از تجربیات حسی ما عملاً از استقراء عقلی بهره برداری می نماییم و بدون آن تعمیم تجربیات حسی امکان پذیر نیست.

ب) حواس پنج گانه برای درک مرتبه نازلی از هستی (عالم طبیعت) مفید است و برای درک کلی تر و عمیق تر مراتب وجود، نیاز به بهره برداری از ابزار استعدادها و بالاتر انسان، نمودار شماره 8. انواع مکاتب انسان شناسی از بعد شناخت شناسی

و زیبایی

یعنی استنتاجات عقلی و نهایتاً معرفت های بی واسطه و حضوری می باشد.

4. پاسخ به حس گرایان (بیرونی و درونی)

الف) علاوه بر پاسخهای بالا باید گفت انسان یک موجود یک بعدی و تک ساحتی نیست، بلکه عنصر مرکبی است که استثنائاً عناصر ترکیب شونده وجود او، استقلال و هویت خود را حفظ نموده اند. بنابراین تمایلات و انگیزه ها و احساسات درونی او فقط غریزی و غیر ارادی نیست که از طریق روان شناسی و روانکاوی متکی بر جبر غرایز حیوانی و بالفعل او شناخته شود. بلکه او موجود آزاد و مریدی است که می تواند در بعد نفس روحانی و نفخه الهی خود، در عین حال که در نفس بهیمی خود هبوط پیدا می کند، از آن جدا شود و برخلاف گرایشهای غریزی، عمل کند و با استمداد از استعدادهای بالقوه عقلانی و روحانی خود به حکمت و نزاهت و در نهایت به رضایت و کرامت برسد (برطبق جدول شماره 3).

		معماری	شاخص	زیبا شناسی	شناخت	بهره و سیر	شناخت شناسی	1- شک گرایان	
Deconstruction Chaos Dada surrealism	سامان شکنی آشوب دادائیسم فرویسیم - سورئالیسم	گرگیاس و پیرهون و...	بی معیاری زیبایی و زشتی	عدم امکان شناخت حقیقت وجود یا راههای آن	ابزارها و شیوه های قابل اعتماد (تصادف و اتفاق)		عصر باستان سوفسطائیان (لاادریون)	عصر جدید	
Postmodernism Historicism Regionalism Contextualism Neovernacular ism	فرانوگرایی تاریخ گرایی منطقه گرایی زمینه گرایی نوبومی گرایی	- پروتاگورس - لیوتار - فوکو - دلوز - بودریار	معیارهای فردی زیبایی و زشتی	حقیقت فردی	ابزارها و شیوه های فردی		2-1- فردگرایان	نسبی گرایان	
		هگل	زیبایی و زشتی وابسته به شرایط دورانهای تاریخی	حقیقت تابعی از دورانهای تاریخی	در هر دوره تاریخی وابسته به آن دوره	تاریخ گرایان (جبر تاریخی)	2-2- جمع گرایان		
		مارکس و قائلین به هرمونیک فلسفی مانند گادامر	زیبایی و زشتی محدود به شرایط اقتصادی و القائات فرهنگی وسنتهای اجتماعی	حقیقت تابعی از شرایط فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی افراد	وابسته به شرایط و طبقاتی و اجتماعی افراد	جامعه گرایان (جبر اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی)			
		نیچه	زیبایی و زشتی وابسته به شرایط نژادی افراد	حقیقت و معرفت تابعی از شرایط نژادی افراد	وابسته به شرایط نژادی	نژاد گرایان (جبر نژادی و وراثت)			
Modernism Formalism Organic Brutalism Structuralism Rationalism Futurism High-tech Functionalism spritual	نوگرایی شکل گرا ارگانیک زبرگرا ساختارگرا عقل گرا آینده گرا های تک عملکردگرا معنا گرا	پزیتویستیها و کندیاک	زیبائیهای محسوس	محسوسات و علوم تجربی	حواس پنج گانه و تجربه بیرونی	حس گرایان بیرونی	حس گرایان	نوع گرایان غربی و مشابه	
		لاک و هیوم	زیبائیهای محسوس و درونی	محسوسات و علوم تجربی و پدیده های نفسانی	حواس پنج گانه+ احساسات درونی (تجربه بیرونی و درونی)	حس گرایان بیرونی و درونی			
		دکارت و کانت	زیبائیهای اولیه عقلی	علوم عقلی	عقل (تحلیل معقولات فطری)	عقل گرایان (غربی)			
برخی از آثار و سبکهای اصیل در دوران اسلامی و سایر فرهنگها (در مجموع نسبی است)	فارابی بوعلی سینا سهروردی ابن عربی ملاصدرا و سایر حکمای صدرائی	ادراک زیبائیهای محسوس و معقول	ادراک زیبائیهای ملکوتی	علوم بدیهی و نظری حسی تجربی و عقلی	حواس + عقل (حس و استنتاج عقلی)	مشائین	نوع گرایان اسلامی و ...		
		ادراک زیبائیهای ملکوتی	ادراک زیبائیهای ملکوتی	معرفت حضوری به واقعیات	شهود قلبی (احاطه اشراقی نفس از طریق تزکیه درون)	شراقیون و عرفا			
		ادراک ذهنی زیبائیهای حسی و عقلی + ادراک شهودی زیبائیهای	ادراک ذهنی زیبائیهای حسی و عقلی + ادراک شهودی زیبائیهای	علوم حصولی (حسی و تجربی-عقلی) + علوم حضوری (شهود درونی به حالات	معرفتهای اولیه حضوری (فطری) + حواس + عقل + شهود مبتنی بر	حکمت متعالیه			

5. پاسخ به عقل گرایان

الف) انسان، ابتدائاً از حوزه دریافتهای حسی وارد عالم معقول و دریافتهای ذهنی و عقلانی می شود و وجود او به هر دو حوزه نیازمند است و با هر دو حوزه به تناسب مراتب آنها می تواند ارتباط برقرار نموده و دریافتهایی داشته باشد. عالم مادی، عالم شهادت است برای عالم معقول و عالم معقول نیز، خود عالم شهادت است برای عالم ملکوت و ادراک قلبی و شهودی انسان و به صورت طولی می توانند همدیگر را تأیید نمایند.

6. پاسخ به مشائین

الف) دریافتهای حسی و عقلی، ارتباطی با واسطه با عالم خارج برقرار می نمایند و ادراکاتی حصولی هستند، انسان از آنجا که دارای نفس روحانی است، می تواند با شیوه تزکیه روح، هم ابعاد برتر وجودی خود را بالفعل نماید و هم به عوالم برتر وجود معرفت بی واسطه و حضوری داشته باشد.

ب) عقل (جزئی و بالقوه) در نهایت یقین و معرفت با واسطه و حصولی ایجاد می کند، نه یقین و معرفت بی واسطه و حضوری و اختلاف نظر فیلسوفان و اندیشمندان از این منظر توجیه پذیر است و از آنجا که دریافتهای حضوری و عرفانی مستلزم طی مراحل است، به همین دلیل ارسال پیامبران و انزال وحی (عقل کلی و بالقوه) برای هدایت انسانها، ضرورتی اجتناب ناپذیر تلقی می شود.

7. پاسخ به عرفا

الف) با توجه به مرکب بودن عناصر وجودی انسان و مراتب وجود و از آنجا که بستر رشد و کمال معرفتی انسانها در طول زمان و به تدریج صورت می گیرد و عناصر نازل تر وجود او مزرعه و زمینه معرفت به مراتب برتر می شوند، لذا معرفت های حضوری در انسان هم به تنهایی تحقق پذیر نیست و هم کافی نیست.

ب) از آنجا که مراتب وجود به بی نهایت ذات احدیت سر می کشد، بنابراین میزان معرفت عرفاء به حقیقت هستی دارای مراتبی است و از آنجا که در انتقال معرفت های حضوری خود به ما از تعابیر و تأویلات استفاده می نمایند، لذا در تعابیر و تفاسیر آنها اختلافاتی ملاحظه می شود، به همین دلیل وجود انسان کاملاً

معصومین (س) که به عالی ترین درجات معرفت و یقین حضوری رسیده باشد در جهت تفسیر و تبیین وحی و هدایت انسانها امری واجب و اجتناب ناپذیر تلقی می شود.

8. ارزیابی و نقد روشهای تحقیق سکولاریستی در مباحث

### نظری

شکاکیت نظری در فرهنگ بعد از رنسانس غرب، که موجود عقل مدرنیته بود، در دامن خود ابتدا رویکرد حسی - تجربی (پوزیتیویستی) را در حوزه های علوم ایجاد نمود، یعنی فقط ابزار حس و شیوه آزمایش حسی و نتایج آن علم و علمی تلقی میشود و سپس از آنجا که بسیاری از دستاوردهای علوم تجربی نیز مورد نقد و ابطال قرار گرفت، عقلانیت پست مدرنیته بر مبنای نسبی گرائی (فردی، اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی و ...) و تکثر گرائی (پلورالیسم) و تواضع معرفتی، در حوزه مباحث نظری مطرح شد و بر نحوه تفکر و روشهای تحقیق، در فرهنگ معاصر غربی استیلاء یافت.

نقد و ارزیابی رویکردهای مختلفی که در این دیدگاه مطرح می شود، مقاله مستقلی را می طلبد، بطور اختصار در این نوشتار به چند نکته اساسی آن اشاره می نمایم.

الف) شکاکیت و نسبی گرایی در حوزه نظر، نقطه مقابل مکاتب انبیاء و پیامبران الهی است، زیرا همه آنها با مدعای تبیین حقایق عالم هستی بعثت یافته اند و مهمترین رسالت خود را دعوت پیروانشان به یقین و باور های عقلی و قلبی عنوان نموده اند. مکتب اسلام، بعنوان آخرین مکتب الهی، با مدعای تبیین کننده کل عالم هستی (ثَبِّانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) خود را مکتبی جامع و مانع و ابدی معرفی می نماید و انسان را واجد ابزار کشف همه حقایق عالم دانسته و همگان را بدان دعوت می نماید و تکامل انسان و ادراک زیبایی های هستی را در این مسیر و مراتب آن تبیین می نماید. این مکتب، شکاکیت و نسبی گرایی را در حوزه نظری کاملاً مردود دانسته و نفی می نماید.

ب) - در روشهای تحقیق موجود که در مجموع بنیانی شک گرا و سکولاریستی در حوزه مباحث نظری دارند، و از نظر منبع و مرجع خطاناپذیر و فاقد داور و کلام الهی در این حوزه می باشند. نهایتاً برای پرداختن به مباحث کیفی و روحی، یعنی مباحث علوم انسانی، با ارائه پرسش نامه، سئوالاتی را از مردم و حداکثر از متخصصین بعمل می آورند و نتایج بدست آمده را جمع بندی و بصورت آماری، نتایجی را اعلام می نمایند. یعنی عقل تجربی و بالفعل مخاطبین، که از منظر اسلامی عقل جزئی، تلقی می

شود، معیار صحت و بطلان علوم انسانی و سیروورت روحانی او تلقی می شود و حداکثر با رجوع به عقل جمعی و مخاطبین متخصص و خبره سعی می نمایند جمع بندی خود را کامل نمایند. از منظر اسلامی، تنها عقل کل یعنی کلام الهی و کلام معصومین (س) در حوزه علوم انسانی، می تواند جامع و مانع باشد و داوری نهائی به عهده این دو منبع کامل و بی نقص و خطاناپذیر خواهد بود. البته مراجعه به عقل فردی و تجربی (عقل جزئی) و مراجعه به متخصصین آزموده (اجماع خبرگان) اکیداً توصیه شده است. ولی این دو منبع بعنوان بازگشائی مسیر تفکر و توجه مورد نظر بوده و بروز اختلاف نظر و نقصان اندیشه و عدم جامعیت در این دو منبع، بدیهی تلقی می شود و داوری نهائی در همه موارد با دو منبع بی نقص و کامل یعنی کلام الهی و کلام معصومین (س) مطرح شده و رسالت پیامبران و ارسال رُسل، با این منطق تبیین و اثبات می شود. بنابراین از منظر اسلامی بدون استناد نهائی به این دو منبع هیچ گزاره ای در حوزه علوم انسانی از جمله مباحث فلسفه زیبایی و هنر قابل استناد و اثبات نیست و نتایج ارائه شده، خطاناپذیر بوده و جامع و مانع تلقی نمی شود. نمودار شماره 8

پ) - در هر مکتب فلسفی و اعتقادی واژه ها و کلمات از پشتوانه معنایی خاصی که در آن مکتب تعریف شده، برخوردار می باشند. بعنوان مثال کلمات، هستی، انسان، کمال، آزادی، خدا، عدالت، حقیقت، زیبایی، هنر و ... در هر مکتب فلسفی و یا اعتقادی تعاریفی متفاوت و اغلب متضاد، دارند. برای مثال مفهوم آزادی در فرهنگ لیبرالیستی غرب یعنی آزادی نفس بهیمی انسان (نفس اماره) از نفس عقلانی و روحانی انسان یعنی (نفس لوامه)، در حالیکه در فرهنگ اسلامی، کاملاً برعکس و آزادی انسان به مفهوم، آزادی نفوس روحانی و عقلانی از نفس حیوانی است. یا مفهوم (کمال) در فرهنگ، مادیرگرای غرب تنها، در برخورداری های کمی و مادی توجیه و تفسیر می شود. در حالیکه در فرهنگ های شرقی و عرفانی و بالخصوص اسلام، معنا و مفهومی بسیار متفاوت و عمیق تر ارائه می گردد. بنابراین محققین یا باید خود فیلسوف مؤسس باشند و در کتابهای متعدد و جامع واژه ها و موضوعات کلیدی مورد استفاده خود را تبیین و تشریح

و اثبات نموده باشند و یا پیامبر مرسل باشند با کتابی الهی، و یا در تحقیقات خود به یک مکتب فلسفی یا اعتقادی مشخص، استناد نمایند. تا مخاطبین گمراه نشده و بدانند با کدامین مشرب فلسفی و سرچشمه های فکری و اعتقادی مواجه می باشند و

نتیجه گیری های جزئی و آماری آنها را از مبانی اصلی و رویکردهای کلی غافل و منحرف ننماید.

ج) - محققین مسلمان و سایر محققین معتقد به یک مکتب فلسفی یا اعتقادی باید در نهایت در یک بررسی تطبیقی، گزاره های نظری ارائه شده را طبقه بندی نموده و با اصول و مبانی مکتب خود مورد نقد و ارزیابی قرار داده و انطباق یا عدم انطباق آن گزاره ها و نهایتاً جامع و مانع بودن آن نظریات را نقد و ارزیابی نمایند. در غیر اینصورت نتایج تحقیق هم برای آنها و هم برای مخاطبین غیر قابل اعتبار خواهد بود.

9. جمع بندی و نتیجه گیری  
همانطور که در بخش های (1 تا 9) این تحقیق ملاحظه شد، نسبت اسلام بعنوان یک مکتب فکری و اعتقادی جامع و مانع با مباحث هنر و زیبایی و آثار هنری در محورهای ذیل نتایجی را قابل استنباط و استنتاج مینماید، که برخی از آنها یادآوری می شود.

الف) مکتب اسلام بطور مستقیم و غیر مستقیم و جامع و مانع، به همه مباحث هنر و زیبایی و ارزیابی آثار هنری وارد شده است.

ب) در بحث هستی شناسی و در موضوع آثار هنری، از آنجا که این مکتب خود را تبیین کننده همه پدیدارها (تبیین کل شی) میداند، بنابراین هیچ موضوعی از دایره خلق اثر خارج نمی شود، حتی در موارد ممنوعی که در تعامل با انسانها، نامناسب معرفی میشود مانند ترسیم یا تجسیم صورت موجودات جاندار و معصومین (س) و یا موضوعاتی که موجب اشاعه فساد و فحشاء می شود به عنوان موارد حرام و مکروه وارد شده است.

پ) در بحث معرفت شناسی و انسان شناسی و در لایه های عمق عالم وجود از آنجا که ابزار شناخت انسانها و شیوه های ادراکی آنها را جامع و مانع میداند، بنابراین، هیچ مرتبه ای از عالم خلق، نمی تواند از دایره شناخت هنرمند و خلق آثار هنری خارج تلقی شود.

ج) در حوزه معبود شناسی، از آنجا که همه هستی را تجلیات معبود یگانه و نور وجود او میداند و همه موجودات را از او و به سوی او، بنابراین، سرمنشاء حقیقی و فطری ایده ها و ایده آلهای هنرمندان را یگانه دانسته و به تعاملی مثبت و فراگیر (فرازمایی و فرا نژادی و ...) بین همه هنرمندان و مخاطبین آنها توصیه و تأکید می نماید.

چ) از آنجا که معبود خود را، هم تشبیهی و هم تنزیهی و هم جمالی و هم جلالی و هم داخل همه پدیدارها و هم خارج همه

همه انسانها را به بهره برداری و تأمل در آثار هنری دعوت می نماید و موضوع زیبایی و زیبایی آفرینی را در همه ابعاد ظاهری و باطنی عالم وجود بسط می دهد و بین خلق آثار هنری و ادراک هنری، با مسیر کمال و سیورورت انسانها پیوندی ناگسستگی برقرار می نماید.

#### منابع:

- 1- حضرت علی (ع) نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه اول
- 2- محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، جلد 7، صفحه 1377، 3492.
- 3- حسن زاده آملی، حسن، هزار و یک نکته، مرکز نشر فرهنگی رجاء، صفحه 825.
- 4- مطهری، مرتضی مجموعه آثار، مشخصات اسلام، انتشارات ستاد بزرگداشت متفکر شهید صفحه 239 بند 20.
- 5- حکیمی، محمد رضا، الحیاه، ج، صفحه 99
- 6- لینداگروت، دیویدوانگ، روش های تحقیق در معماری، ترجمه دکتر علیرضا، عینی فر، چاپ دانشگاه تهران.
- 7- نقره کار، عبدالحمید (و همکاران)، هویت اسلامی در معماری، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، 1387

پدیدارها معرفی می نماید و با تعریف زیبایی به عنوان « وجود، به نسبت قوه آن» مفهوم زیبایی را در بسیط ترین و جامع ترین نوع آن تعریف نموده است، هم از نظر انواع زیبایی (زیبایی های مادی، معقول، ملکوتی و برتر) و هم از بعد صفات حسن و زیبایی با طرح یکصد صفت (عدد کامل) برای زیبایی مطلق (الله) در قرآن مجید.8

ح) با معرفی انسان بعنوان موجود مرکب، دارای چهار نفس، گیاهی، حیوانی، عقلانی و روحانی و حفظ خاصیت هر کدام بعد از ترکیب و رابطه ای که نفس روحانی (نفخه الهی) می تواند بالفعل با هر یک از نفوس دیگر داشته باشد یعنی (داخل آنها باشد و با آنها یکی نباشد و خارج از آنها باشد و از آنها جدا نباشد) سرچشمه و میانی ایده ها و ایده آلهای هنرمندان و هنرهای ممدوح (عقلانی) و هنرهای مذموم (حیوانی) را تبیین و تشریح نموده است.

د) از آنجا که انسانها را در بعد فطری مشترک و یک نوع معرفی می نماید و در عین حال تأثیر مجموع شرایط زمانی و مکانی را بر ماهیت انسانها می پذیرد، بنابراین رابطه هنرمندان و مخاطبین را نه تنها میسر بلکه ضروری و لازم و رسالتی پیامبرگونه معرفی می نماید، یعنی بعد ماهیتی و اختلاف برداشتها و سلیقه ها را عارضی و اعتباری دانسته و قابل تغییر و تربیت و در مقابل بعد فطری و ادراک مشترک و وحدت بخش را بین هنرمندان و مخاطبین، بعد حقیقی، ذاتی و غیر قابل تبدیل و تحویل انسانها معرفی می نماید. و از این نظر تعامل انسانها و فرهنگ ها و هنرهای آنها را در جهت کمال انسانی واجب و ضروری میداند.

ذ) از آنجا که عالم و آدم را نشانه (آیه) آن حقیقت ازلی و ابدی معرفی می نماید و انسان را به صورت خود و جانشین خود در زمین خلق نموده است و ... بنابراین، هنر آفرینش را تجلی معنا در صورت دانسته و انسان را دارای این توانایی و هنر، که بتواند مفاهیم و معانی عمیق و به ظاهر نادیدنی را در ظاهر آثار خود متجلی سازد و همچون خداوندگار خود به خلق آثاری تفکر برانگیز و تعالی بخش بپردازد.

ر) از آنجا که انسان را به تعقل و تدبر و تفکر و تفقه 9 و ... در هنر آفرینش فرا میخواند بنابراین نه تنها هنرمندان را به خلق آثار اصیل و ارزشمند دعوت می نماید، بلکه تمام مخاطبین و

9- هیچ مکتب زیبایی شناسی نه در بعد ظاهری (صورت های مادی) و نه در بعد باطنی (صفات مفهومی)، زیبایی را اینچنین جامع و مانع معرفی نکرده است.

10- سوره بقره آیه 242 سوره انعام آیه 151 و ...